

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل



الدَّرسُ السَّادِسُ

مَرَقَدُ الإِمَامِ الحُسَيْنِ ؑ

مرقد امام حسین



# الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (۲۳ کلمه جدید)

أربع: چهار  
ثلاثين: سی

کاروان	قافِلَة	سی و چهار	أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ
تینس روی میز	كُرَّةُ الْمِنْضَدَةِ	چهل	أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ
دارد، برای «لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ: این خانواده دارد.»	لِ	دستور داد   دستور می دهد	ماضی مضارع أَمَرَ   يَأْمُرُ
یذهب: می رود لا یذهب: نمی رود	لا	یکم، نخستین «مُوْتَبِّ الْأَوَّلُ»	عدد ترتیبی الأولی
حرف نفی مضارع	لا	قرص‌های مسکن «مفرد حُبُوب: حَبِّ» قرص	ج مکسر حُبُوبٌ مُسَكِّنَةٌ
تو را چه می شود؟	مَا بِكَ	انگشت	خَاتَمٌ
بیماری قند	مَرَضُ السُّكَّرِ	سفر کرد   سفر می کند	ماضی مضارع سَافَرَ   يُسَافِرُ
شب، بعد از ظهر	مَسَاءٌ	سفر، گردش	سَفَرَةٌ
درمانگاه «جمع: مُسْتَوَصَفَات»	مُسْتَوَصَفٌ	شربت، نوشیدنی	شَرَابٌ
با هم	مَعًا	سردرد	صُدَاعٌ
نسخه	وَصْفَةٌ	فشار خون	فشار خُون صَغَطُ الدَّمِ
پنهان می ماند	يَخْفَى	هوایما	طَائِرَةٌ

طائر: پرنده

در سفر  
فِي السَّفَرِ

سافرتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَاحِي مِنْ كِرْمَانَ إِلَى الْعِرَاقِ فِي قَافِلَةِ الزُّوَارِ لِيَزَارَةَ الْمَدِينِ الْمَقْدَسَةِ: الْحَجَفَ الْأَشْرَفَ وَ كَرِبَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةَ وَ سَامِرَاءَ.  
مقدس: نجف اشرف، كربلا، كاظمين و سامرا

هَمَّ سَافَرُوا فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى بِالطَّائِرَةِ وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بِالْحَافِلَةِ. أَلَسَّيْدُ فَتَاحِي أَنهَا يَأْرُ أَوَّلَ بِهِ هُوَ أَيَّمَا مَسَافِرَتِ كَرَبَدَنْدِ وَ بَارِ دَوْمِ بِإِتْوَابُوسِ  
موظف و زوجته ممرضة. لهذه الأسرة ستة أولاد.  
كارمند و همسرش پرستار است این خانواده شش فرزند دارد

جواز بين الأسرة گفتگویی میان خانواده

أَلَسَّيْدُ فَتَاحِي: أَيْنَ تَذْهَبُونَ يَا أَوْلَادِي؟

كجا می روید ای پسرانم؟

أَوْلَادُ: تَذْهَبُ لِيَزَارَةَ مَرْقَدِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

پسران: برای زیارت مرقد امام حسین می رویم

أَلَسَّيْدُ فَتَاحِي: أَيْنَ تَذْهَبِينَ يَا بِنَاتِي؟

كجا می روید ای دخترانم؟

البنات: تذهب مع إخوتنا للزيارة.

دختران: با برادرانمان به زیارت می رویم

أَحَدُ الْأَوْلَادِ: أَيْنَ تَذْهَبَانِ يَا أَبِي وَ يَا أُمِّي؟

یکی از پسران(فرزندان): کجا می روید ای پدرم و ای مادرم؟

الوالد: تذهب إلى المستوصف.

پدر: به درمانگاه می رویم

أمكم تشعرون بالصداع.

مادرتان احساس سردرد می کند

من المريض؟

چه کسی مریض است؟



گفتگویی در درمانگاه  
**حِوَارٌ فِي الْمُسْتَوْصَفِ**

**الطَّبِيبُ:** مَا اسْمُ الْمَرِيضِ؟  
 پزشک: اسم مریض چیست؟  
**الطَّبِيبُ:** مَا بِكَ يَا سَيِّدَةُ فَاطِمَةَ؟  
 پزشک: تورا چه شده است ای فاطمه خانم؟  
 - كَمْ عُمْرُكَ؟  
 چند سال داری؟  
 - أَمْ مَرَضُ السُّكَّرِ؟  
 آیا فشار خون داری یا مرض قند؟  
**أَكْتُبْ لَكَ وَصْفَةَ.**  
 برایت نسخه ای می نویسم

**السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ:**  
 آقای فتاحی: فاطمه خانم  
**أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ.**  
 فاطمه خانم: احساس سردرد می کنم  
 - أَرْبَعُونَ سَنَةً.  
 چهل سال  
 - أَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ فَقَطْ.  
 فقط احساس سردرد می کنم  
 - مَاذَا تَكْتُبُ فِي الْوَصْفَةِ؟  
 چه چیزی می نویسی در نسخه؟



- كَيْفَ الْإِسْتِفَادَةُ مِنْهُ؟  
 استفاده از آنها چگونه است؟

- **الْحُبُوبُ الْمَسْكَنَةُ وَ الشَّرَابُ.**  
 قرص های آرامبخش و شربت  
 - **ثَلَاثَةٌ حُبُوبٌ فِي كُلِّ يَوْمٍ:**  
 سه قرص در هر روز  
**صَبَاحًا وَ ظَهْرًا وَ مَسَاءً**  
 صبح و ظهر و شب  
**وَ الشَّرَابُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.**  
 و شربت ، دوبار در هر روز

شما می روید (ج مذکر)  
 شما می روید (ج مؤنث)  
 شما می روید (مثنی)

أنتم تذهبون + سه حرف اصلی فعل + ون  
 أنثن تذهبن + سه حرف اصلی فعل + ن  
 أنتما تذهبان + سه حرف اصلی فعل + ان

فعل مضارع (دوم شخص جمع)

فعل مضارع

انجام می دهید انجام می دهید انجام می دهید  
 أَلْفَعْلُ الْمَضَارِعُ ← (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا الْمُجَاهِدِ؟  
 نَعَمْ؛ نَعْرِفُهُ. هُوَ الشَّهِيدُ مُوسَى.  
 آیا این رزمنده را می شناسید؟  
 بله. او را می شناسیم. او شهید موسوی است

يا رِجَالُ، مَاذَا تَأْكُلُونَ؟  
 نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.  
 ای مردان چه چیزی می خورید؟  
 غذای افطار می خوریم



أَيْنَ تَقْرَأُ الْكِتَابَ؟  
 نَقْرَأُهُ فِي الْمَكْتَبَةِ.  
 کجا کتاب می خوانید؟  
 آن را در کتابخانه می خوانیم

يا نِسَاءُ، مَاذَا تَأْكُلْنَ؟  
 نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.  
 ای زنان، چه چیزی می خورید؟  
 غذای افطار می خوریم

۱. شهید سیدکاظم موسوی، نویسنده کتابهای عربی پیش از انقلاب اسلامی و آغاز آن.



أَيُّهَا الْبَنَاتِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟  
نَرْجِعُ إِلَى بَيْتِنَا مَعًا.  
ای دو دختر، چه کار می کنید؟  
باهم به خانه مان برمی گردیم



أَيُّهَا الْوَلَدَانِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟  
نَلْعَبُ مَعًا.  
ای دو پسر، چه کار می کنید؟  
باهم بازی می کنیم



يا طِفْلَانِ، إلى أين تَذْهَبَانِ؟  
نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِنَا.  
ای دو کودک، به کجا می روید؟  
به خانه مادر بزرگمان می رویم



أَيُّهَا الْأُسْرَةُ، ماذا تَعْمَلُونَ؟  
نَزْرَعُ فِي مَزْرَعَتِنَا.  
ای خانواده، چه کار می کنید؟  
در مزرعه مان می کاریم (کشاورزی می کنیم)

۱. هنگامی که در جمله ای مذکر و مؤنث با هم هستند، اجزای جمله مانند اسم اشاره، فعل و ضمیر مذکر می شوند؛ زیرا مذکر می تواند میان مذکر و مؤنث مشترک باشد؛ اما مؤنث تنها برای مؤنث است.

به مقایسه فعل های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
	<p>أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ</p>  <p>دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب)</p>		<p>أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ</p>  <p>دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب)</p>
	<p>أَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ</p>  <p>دوم شخص جمع (جمع مؤنث مخاطب)</p>	شما انجام دادید.	<p>أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ</p>  <p>دوم شخص جمع (جمع مؤنث مخاطب)</p>
شما انجام می دهید.	<p>أَنْتُمْ تَفْعَلَانِ</p>  <p>دوم شخص جمع (مثنی مذکر مخاطب)</p>		<p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا</p>  <p>دوم شخص جمع (مثنی مذکر مخاطب)</p>
	<p>أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ</p>  <p>دوم شخص جمع (مثنی مؤنث مخاطب)</p>		<p>أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا</p>  <p>دوم شخص جمع (مثنی مؤنث مخاطب)</p>

چرا ترجمه سه فعل عربی در فارسی فقط یک فعل است؟

۱. در پاسخ به کلمه پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای اینکه» یا «ل: برای» شروع کنیم؛ مثال:



لِمَاذَا تَكْتُبَانِ دَرَسَكُمَا خَارِجَ الْغُرْفَةِ؟  
لِأَنَّ الْجَوَّ لَطِيفٌ جِدًّا.

برای چه درستان را بیرون از خانه می‌نویسید؟  
زیرا هوا خیلی خوب است؟

لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ؟  
لِأَنِّي أَبْحَثُ عَنْ هُدًى.

برای چه به دور نگاه می‌کنی؟  
زیرا من دنبال هدیدی می‌گردم

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



لِمَاذَا ذَهَبْتِ إِلَى السُّوقِ؟  
ذَهَبْتُ لِشِرَاءِ خَاتَمٍ ذَهَبِيٍّ.

برای چه به بازار رفتی؟  
برای خریدن انگشتری طلایی رفتم

لِمَاذَا أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ؟  
لِأَنَّنا جَحَوْنَا فِي الْمَسَابِقَةِ.

برای چه شما خوشحال هستید؟  
زیرا ما در مسابقه موفق شدیم



منفی کننده فعل ماضی ← ما ذَهَبَ (ترفت)

منفی کننده فعل مضارع ← ما يَعْلَمُ (نمی داند)

لا ← منفی کننده فعل مضارع ← لا يَعْلَمُ (نمی داند)

۲. حرف «لا» غالباً فعل مضارع را منفی می کند؛ مثال:

أَنَا لَا أَكْذِبُ. من دروغ نمی گویم.

گاهی حرف «ما» افزون بر فعل ماضی، فعل مضارع را نیز منفی می کند؛ مانند:

مَا يَعْلَمُ: نمی داند

اکنون جمله های زیر را ترجمه کنید.

**پنهان نمی باشد بر خداوند هر چیزی که در زمین و در آسمان است**

هُوَ مَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾ إبراهيم:

لِمَاذَا لَا تَكْتَبِينَ واجباتك؟ **برای چه تکالیفت را نمی نویسی**

أَنْتَ لَا تَظْلِمُ النَّاسَ. **تو ظلم نمی کنی بر مردم**

التَّمارين

١ التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس، جمله درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- 
- 
- 
- 
- 

١. ما كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلسَّيِّدَةِ فَاطِمَةَ حُبُوباً فِي الوَصْفَةِ.  
دکتر برای فاطمه خانم قرص هایی در نسخه نوشت
٢. سافَرْتُ أُسْرَةَ السَّيِّدِ فَتَاحِي إِلَى العِرَاقِ.  
خانواده آقای فتاحی به عراق سفر کرد
٣. السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ فِي سَنِّ السَّبْعِينَ.  
فاطمه خانم در هفتاد سالگی است
٤. هَذِهِ الأُسْرَةُ مِنْ إیرانشهر.  
این خانواده از ایرانشهر است
٥. السَّيِّدُ فَتَاحِي حَدَادٌ.  
آقای فتاحی آهنگر است

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



ماذا تَلْعَبْنَ؟

نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.

چه چیزی بازی می‌کنید؟

تنیس بازی می‌کنیم

أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

تَذْهَبُ فَوْقَ الْجَبَلِ.

کجا می‌روید؟

بالای کوه می‌رویم



يا وِلْدَانِ، إِلَى أَيْنَ سَتَذْهَبَانِ؟

سَتَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ بَعْدَ دَقَائِقِ.

ای دو پسر به کجا خواهید رفت

بعد از دقایقی به سوی رودخانه خواهیم رفت

يا بِنْتَانِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟

نَأْخُذُ كِتَابَيْنِ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دو دختر چه کار می‌کنید؟

از کتاب‌خانه دو کتاب می‌گیریم

### ۳ التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های مضارع خط بکشید.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ التَّحْلُ: ۹۰

خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد.

۲. ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ الْوَأَقَعَةُ: ۶۸

آیا نگاه کرده‌اید به آبی که می‌نوشید؟

۳. ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ الْوَأَقَعَةُ: ۵۹

آیا شما می‌آفرینید آن را یا ما آفریننده آن هستیم؟

۴. أَيُّهَا الْمَلَاحُونَ، أَلَا تَجْمَعُونَ الْفَوَاكِيَ لِلْبَيْعِ؟

ای کشاورزان! آیا میوه‌ها را برای فروش جمع نمی‌کنید؟

۵. يَا زَمِيلَاتِي، إِلَىٰ أَيْنَ تَذْهَبِينَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟

ای همکلاسی‌هایم بعد دو هفته به کجا می‌روید؟

### ۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

انتما	تَكْذِبَانِ	دروغ می‌گویید	لَا تَكْذِبَانِ	دروغ نمی‌گویید
أنا	مَا نَدِمْتُ	پشیمان نشدم	لَا أَنْدَمُ	پشیمان نمی‌شوم
أنت	مَا حَزَنْتَ	غمگین نشدی	لَا تَحْزَنُ	غمگین نمی‌شوی
انتن	شَرَحْتَنَ	شرح دادید	مَا شَرَحْتَنَ	شرح ندادید

تَخْدِمُونَ	خدمت می کنید	لا تَخْدِمُونَ	خدمت نمی کنید
رَحِمْتُمَا	رحم کردید	تَرَحَّمَانِ	رحم می کنید
عَمِلْنَا	کار کردیم	سَوْفَ نَعْمَلُ	کار خواهیم کرد
فَرِحْتِ	شاد شدی	تَفْرَحِينَ	شاد می شوی

## ۵. التَّمْرِينُ الْخَامِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- شستید می شویی
- عَسَلْتُمْ ● تَغْسِلِينَ
- می پزید
- طَبَخْتَ ● تَطْبُخَانِ
- می گردم
- أَبَحْتُ ● نَبَحْتُ
- می فهمید
- تَفَهَّمَنْ ● نَفَهَّمْ
- می روم
- أَذْهَبُ ● نَذْهَبُ

۱. أَأَنْتُمْ ..... مَلَايَسَكُمُ أَمْسُ؟  
آیا شما شستید لباسهایتان را دیروز؟
۲. أَتَيْتَهَا الْبُنْتَانُ، هَلْ ..... الطَّعَامَ؟  
آی دو دختر، آیا می پزید غذا را؟
۳. مَاذَا تَفَعَّلَ؟ ..... عَنِ مِفْتَاحِ الْعُرْفَةِ.  
چه کار می کنی؟ می گردم دنبال کلید اتاقی.
۴. أَ تَفَهَّمَنْ الدَّرْسَ؟ - نَعَمْ؛ ..... الدَّرْسَ سَهْلًا.  
آیا درس را می فهمید؟ بله می فهمیم درس را آسان.
۵. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ ..... إِلَى مُنْظَمَةِ الْحَجِّ وَالزِّيَارَةِ.  
کجا می روید؟ می روم به سازمان حج و زیارت

## ۶. التَّمْرِينُ السَّادِسُ:

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

مَرَّتَيْنِ (دو بار)	۱. كَمَ مَرَّةً سَافَرْتَ (سَافَرْتَ) إِلَى كَرْبَلَاءَ؟ چند بار به كربلا سفر کردی؟
لِزِيَارَةِ (برای زیارت کردن)	۲. لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى مَكَّةَ؟ برای چه به مکه می روی؟
نَعَمْ أَعْرِفُ (بله می دانم)	۳. هَلْ تَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟ آیا زبان عربی می دانی؟
أَرْبَعَةَ (چهار)	۴. كَمَ عَدَدُ أَفْرَادِ أُسْرَتِكَ (أُسْرَتِكَ)؟ تعداد افراد خانواده ات چندتا است؟
الْقَلَمُ وَالْكِتَابُ	۵. مَاذَا فِي حَقِيقتِكَ (حَقِيقتِكَ)؟ چه چیزی در کیفیت است؟

## ساختار درس دوم تا ششم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما شاد می شویم.	نَحْنُ نَفْرَحُ.	من شاد می شوم.	أَنَا أَفْرَحُ.
شما شاد می شوید.	أَنْتُمْ تَفْرَحُونَ. أَنْتُنَّ تَفْرَحْنَ. أَنْتُمْ تَفْرَحَانِ.	تو شاد می شوی.	أَنْتَ تَفْرَحُ. أَنْتِ تَفْرَحِينَ.
آنها شاد می شوند.	درس ۸ و ۹	او شاد می شود.	هُوَ يَفْرَحُ. هِيَ تَفْرَحُ.

### نور السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿... لَا أَقُولُ لَكُمْ عِندِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ﴾ الأَنْعَام: ۵۰

به شما نمی گویم که گنجینه های خداوند نزد من است و غیب را نمی دانم

۲. ﴿... يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ الأَنْعَام: ۳۰

خداوند مثال هایی برای مردم می زند و خداوند بر همه چیز داناست

۳. ﴿... وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَة: ۱۱۶

و خداوند می داند در حالی که شما نمی دانید

## اَلْقُرْآنَات

بخوانید و ترجمه کنید.



۱. مَنْ هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي جَاءَ اسْمُهَا فِي

الْقُرْآنِ؟ وَ كَمْ مَرَّةً جَاءَ اسْمُهَا؟

**زنی که اسمش در قرآن آمده چه کسی است؟**

**و چند بار اسمش آمده است؟**

- هِيَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، جَاءَ اسْمُهَا فِي

الْقُرْآنِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً.

**او مریم دختر عمران است، اسمش در قرآن 34 بار آمده است**



۲. مَا هِيَ الْآيَاتُ الْأُولَى الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى

النَّبِيِّ ﷺ؟

**اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد چیست؟**

- الْآيَاتُ الْأُولَى مِنْ سُورَةِ «الْعَلَق».

**اولین آیات از سوره علق است**



۳. مَنْ هُوَ أَوَّلُ نَبِيِّ كَتَبَ بِالْقَلَمِ؟

**اولین پیامبری که با قلم نوشت چه کسی است؟**

- هُوَ النَّبِيُّ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

**او پیامبر ادريس است**

۱. طرح سؤال امتحانی مشابه «أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ» از اهداف کتاب درسی نیست.

شما هم به بزرگترین و تخصصی ترین کانال عربی متوسطه اول در تلگرام پیوندید



Arabi\_7\_8\_9

کانال عربی متوسطه عیوضی